



چگونگی کنشگری حضرت زهرا(س) پس از رحلت پیامبر اکرم(ص)

در تاریخ می خوانیم «هنوز اهل بیت پیامبر(ص) از کار غسل و کفن ایشان فارغ نشده بودند که صدای تکبیر از مسجد به گوششان رسید. این تکبیری بود که بیعت کنندگان در مسجد می گفتند. این بیعت که به تناوب انجام می شد تا شب ادامه داشت.» این خبر را می توان آغازی بر شروع کنشگری دختر پیامبر(ص) دانست که در اوج غم درگذشت پدر، عهده دار اندوه انحراف جامعه نبوی گردید.

مبارزات

سیاست تحریمی دستگاه خلافت از اقدامات این دستگاه پس از سقیفه تصرف فدک و اخراج کارگزار حضرت زهرا(س) از فدک است. حضرت می خواست اثبات کند این زمین ها متعلق به ایشان است. قواعد و قوانین همه به نفع او بود. در محکمه خطاب به خلیفه گفت: ام ایمن و رباح (آزاد کرده پیامبر) شهادت می دهند که رسول خدا(ص) فدک را به من بخشیده است. در نقل دیگری ام ایمن، همسر پیامبر(ص)، و حضرت علی(ع) نیز شهادت دادند. خلیفه در مقابل همه ادله و شواهد پاسخ داد: آیا با شهادت یک مرد و یک زن خود را صاحب حق می دانی؟ دختر پیامبر(ص) برای اینکه در تاریخ بماند و نشان بدهد که آن کسی که پیامبر(ص) او را سیده زنان جهان و بزرگ بانوان بهشت خوانده و خشنودی و ناخشنودی و آزار او را خشنودی و ناخشنودی و آزار خودش اعلام کرده است از دولت بعد از وی به شدت نگران، خشمگین و ناخشنود است فرمود: به خدای سوگند با تو سخن نخواهم گفت. این اعلام یک سیاست تحریمی جدی و همه جانبه بود که تا آخر عمر دختر پیامبر(ص) ادامه یافت.

کنش اول

گریه دختر پیامبر(ص) بعد از رحلت پدر

در عزای پیامبر، بسیار گریه می کرد. شنیدن صدای این گریه برای مردم جفاکار مدینه عذاب آور است زیرا یادآور حقی بود که از سوی ایشان ندیده گرفته شد. بنابراین حضرت در پاسخ به شکایت مردم مدینه از صدای گریه ها فرمود: یا ابا الحسن، زندگی من زیاد به طول نخواهد انجامید و به زودی از میان این مردم خواهم رفت. لذا سوگند به خدا، نه شب آرام خواهم گرفت و نه روز تا اینکه به پدرم، رسول خدا(ص) ملحق شوم.

کنش پنجم



شهربانو

۲۳ شهریور
۱۴۰۵
۲۴ جمادی الثانیه ۱۴۴۴
شماره ۲۸۴۶

(۲)

حدیث کساء یعنی خانواده داری فاطمی



خدیجه خدیوی
فعال فرهنگی

(پرتو)

فاطمه در خانه است. رسول خدا احساس ضعف می کند. برای تسکین دردش، سراغ دخترش می رود. فاطمه است، ام اییها. هم دختر پدر است هم مادر پدر. پدر سلامش می کند و پاره تن خطابش می کند و فاطمه سرتاپا نگاه می شود. نگاه به چهره پدر برایش عبادت است. پدرش را ماه شب چهارده می بیند و برای التیام دردش، به خدا پناه می برد. درخواست پدر را اجابت می کند و برایش کسای یمانی می آورد. فاطمه است، مادر حسنین، مادری که رهبران آینده را

یاری خواستن از مردم

کنش دیگری را که در سیره مبارزاتی دختر پیامبر(ص) در تاریخ شاهدش هستیم تبیین حق جانشینی امیرالمؤمنین(ع) در گفت و گوی مستقیم با مردم مدینه است. در تاریخ نقل است که امیرالمؤمنین(ع) حضرت فاطمه(ص) را بر استری سوار کرد و به همراه امام حسن(ع) و امام حسین(ع) شبانه به خانه ها یا مجالس انصار می رفتند. بر هر خانه و محفل دختر پیامبر خدا(ص) می فرمود: ای گروه، دختر پیامبرتان را یاری کنید. آن روز که با رسول خدا بیعت کردید، بیعتتان بر این بود که همان طور که از زن و فرزند خویش دفاع می کنید، از او و فرزنداناش دفاع کنید. اکنون به عهده ای که با آن حضرت بسته اید عمل کنید. چه بد جواب دادند این نامردمان هنگامی که گفتند: قد مضت بیعتنا لهذا الرجل!

کنش سوم

محاکمه دولت در مسجد

دختر پیامبر(ص) چند روز پس از سقیفه به مسجد آمد تا دستگاه خلافت نوپدید را در حضور مردم به چالش بکشد. اینجا دیگر دختر پیامبر(ص) نامی از فدک نمی آورد، بلکه فراتر از آن، همه چیزی را که به پیامبر(ص) تعلق داشت و طبق آیات قرآن به دخترش می رسید مطالبه کرد. این سخنرانی چنان قوی، مستدل و مستحکم بود که خلیفه هم به ناچار به گریه افتاد.

کنش دوم

سرزنش و تحریم ملاقات کنندگان

این مرحله از کنشگری مبارزاتی دختر پیامبر(ص) شکل دیگری داشت. وی در وضعیت مجروحیت و ملاقات برخی زنان مدینه فرمود: به خدای سوگند، دنیای شما را دوست نمی دارم و از مردان شما بیزارم. آن ها را آزمودم و از آنچه کردند رضایت ندارم. وای بر آن ها! چرا نگذاشتند حق در مرکز خود قرار گیرد و خلافت بر پایه نبوت استوار ماند؟ یعنی همان جا که محل فرود جبرئیل امین بود. و چه حرف ها و درس ها در این جملات نهفته است. روز به روز حال دختر پیامبر خدا(ص) رو به وخامت می رفت. بنابراین غصب کنندگان ولایت به علت ترس از ملامت مردم به تکاپوی ملاقات با دختر پیامبر(ص) افتادند که با مخالفت حضرت، متوسل به امیرالمؤمنین(ع) شدند. پس با تبعیت بانو از همسر، حاکمان به خانه دختر پیامبر(ص) راه یافتند. وقتی نزد دختر پیامبر(ص) نشستند، سلام گفتند. به گفته تاریخ دختر پیامبر(ص) سلام را جواب نگفت و حتی روی خویش را از آنان به سوی دیگری گردانید. پس از چندین بار آمدند و جواب سلام نشنیدن، آنگاه رو به علی(ع) کرد و فرمود: من با آن ها حتی یک کلمه هم سخن نخواهم گفت تا اینکه از آن ها چیزی را بپرسم که آن دو از رسول خدا(ص) شنیده اند. اگر در این مورد راست گفتند، آن وقت تصمیم خواهم گرفت. آنگاه آن ها را قسم داد و فرمود: شما را به خدا سوگند، آیا از رسول خدا(ص) این سخن را نشنیده اید که «رضای فاطمه از رضای من است و خشم و غضب فاطمه از خشم و غضب من. هر که او را دوست داشته باشد، مرا قطعاً دوست داشته و هر که فاطمه را راضی کند، مرا راضی کرده و هر که فاطمه را به غضب آورد، مرا به غضب آورده است.»؟ پاسخ دادند: چرا، ما این سخن را از رسول خدا شنیده ایم. دختر پیامبر(ص) فرمود: من خدا و ملائکه او را شاهد می گیرم که شما دو تن مرا به غضب درآوردید!

کنش چهارم

وصیت و شهادت

در تاریخ می خوانیم هنگامی که خبر شهادت دختر پیامبر(ص) انتشار یافت و شهر از آن خبردار شد، مردم در بیرون خانه منتظر بودند چه وقت جنازه دختر پیامبر(ص) برای نماز آماده خواهد شد تا در آن شرکت کنند سپس به تشییع بپردازند. شاید شب نزدیک شده بود. ابودر از خانه بیرون آمد و گفت: همه بروید. کار دختر پیامبر(ص) به تأخیر افتاده است. مردم تردید نکردند. به امید فردا برخاستند و رفتند غافل از اینکه دختر پیامبر خدا(ص) در وصیت خود نیز مبارزه سیاسی اجتماعی خود را فراموش نکرده بود و اجازه نداد غاصبان حکومت و همراهانشان در مراسم تدفین حاضر شوند. در واقع، بخش اصلی وصیت عبارت بود از پنهان داشتن غسل، کفن، نماز، دفن و محل آن. این آخرین بخش از مبارزات دختر پیامبر(ص) با وضعیت موجود و دولت خلفا بود. کنشگری هوشمندانه و درایت محور دختر پیامبر(ص) باعث شد تا آخرین لحظه حیات بابرکتش در دفاع از ولایت امیرالمؤمنین(ع) مبتنی بر شایسته سالاری دینی و الهی ثابت قدم بمانند و جامعه پیرامون خود را از خطرات خون سالاری متأثر از نظام سیادت جاهلی آگاه کند.

آخرین کنش مبارزاتی

این ها در حدیث کساء نمایان است. انتخاب نیکوترین کلام ها برای صحبت با یکدیگر، نحوه برخورد صحیح اعضای خانواده با هم، اذن دخول و رعایت حریم شخصی افراد، تساوی در برخورد با فرزندان و ... تنها گوشه ای از دروس اخلاقی این حدیث گران بهاست. این خانواده چه کردند که خداوند گفت: آسمان برافراشته و زمین هموار و ماه روشن و خورشید درخشان و فلک دوار و ... خلق نکردم جز به عشق این پنج نفر. و چه خوب است این روزها که بیگانگان با تمام قوا پناهگاه امن خانواده ایرانی را نشانه می روند، ما با الگوبرداری از این شیوه مدیریت خانواده زهرایی، روز به روز بر استحکام این بنا بیفزاییم و نقشه دشمنان را نقش بر آب کنیم.

می پروراند. فرزندانش را میوه دل و نور دیده خطاب می کند. بوی خوش رسول خدا به مشام حسن و حسین می رسد. اذن می گیرند و وارد کساء می شوند. انس و ملک، غبطه می خورند به این خانواده. حدیث کسای و پودی متفاوت با سایر ادعیه دارد. نهایت ادب و محبت در ارتباط کلامی در جای جای آن موج می زند. عبارات مکرر «قال» و «قلت» در حدیث، به گفت و گو در خانواده اشاره دارد و اینکه خانواده محل صحبت و هم دردی و مشاوره و رفع مشکل است. اما لازمه رسیدن به نتیجه مناسب از این گفت و گوها استفاده از اصول گفت و گوی صحیح، توجه به جایگاه افراد در خانواده و رعایت اصل احترام متقابل است که تمام